

خدا حافظ وکیل پیادعا

نعمت احمدی درگذشت

حقوقدان و یار و همراه روزنامه نگاران

همراه با یادداشت‌هایی از: فیاض زاهد : نعمت
عزیزم! بدرود محمد جلیلیان: دکتر نعمت
احمدی حقوقدانی سختکوش

«دلم از موضوعات زیادی پره؛ دلم می‌خواهد ازم مصاحبه‌ها داشته باشی...» این جملات، عبارات آخرین پیامی است که نعمت احمدی قبل از حرکت به سمت مقصد نهایی خطاب به خبرنگار روزنامه اعتماد ارسال کرده است. روز و روزگاری که هر چند بیماری و عوارض جسمی، این حقوقدان و وکیل دادگستری و فعال اقتصادی را عذاب می‌داد، اما هنوز نگران مردم ایران و آینده کشوری بود که آرزوهای بسیاری برای رشد و توسعه و پیشرفتش داشت. هر بار که روزنامه‌نگار، شهروند یا فعال سیاسی با اتهامی مواجه می‌شد، این نعمت احمدی بود که پیگیر امور حقوقی پرونده‌اش می‌شد و راه و چاه را نشان می‌داد. چهره‌ای که بسیاری از روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و مطبوعاتی او در کنار چند نام دیگر پناه و ملجاء خود دانسته و در بزنگاه‌ها از راهنمایی‌ها و حمایت‌هایش بهره‌مند می‌شدند. دیروز اما ناگهان خبر رسید؛ «نعمت احمدی، حقوقدان و وکیل دادگستری پس از گذراندن دوره‌ای نقاهت درگذشت.» برای بسیاری از روزنامه‌نگاران این خبر مانند پتکی بود که بر پیکره آنها وارد می‌شد. نعمت احمدی‌نسب متولد ۱۳۳۴ بود. او دانش‌آموخته حقوق و دکترای تاریخ بود و وکیل بسیاری از روزنامه‌نگاران در دهه ۷۰ و پرونده‌هایی همچون قتل‌های محفلی در کرمان بود. او در ماجرای «دادگاه متهمان پرونده کودتای خمینی»، وکالت فیاض زاهد (از اعضای ارشد حزب اعتماد ملی) و فیض‌الله عرب‌سرخی (از اعضای ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) را به عهده داشت. احمدی، وکیل سید ابراهیم نبوی و سعید رضوی‌فقیه نیز بوده

است. به خاطر همین پیگیری‌ها و انتقادات بود که هم پرونده وکالتش ابطال و هم از تدریس در دانشگاه اخراج شد. احمدی اما به‌رغم همه فشارها، تلاش کرد از طریق آگاهی‌بخشی عمومی مردم را متوجه حقوق و مطالبات خود کند. احمدی دارای فوق‌لیسانس حقوق و دکترای تاریخ، فروردین ۱۳۳۴ در زرنند در خانواده‌ای کشاورز به دنیا آمد. با گذراندن دوره ابتدایی در شهر زرنند برای ادامه تحصیل به کرمان رفت و در سال ۱۳۴۷ از دبیرستان شهاب کرمان دیپلم گرفت. او در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۵ مدرک فوق‌لیسانس رشته حقوق گرفت. وی از سال ۱۳۵۶، کارآموزی خود را در تهران آغاز کرد. وی بعد از انقلاب وارد مقطع فوق‌لیسانس تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی شد و همین رشته را در سال ۱۳۷۲ با مدرک دکتری به پایان رساند. سپس در رشته تخصصی تاریخ و همین‌طور دروس تلفیقی دو رشته تاریخ و حقوق در دانشگاه امام جعفر صادق(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس پرداخت و از سال ۱۳۸۳ رسماً وارد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیات علمی این دانشگاه شد. وی در کنار تدریس و وکالت، سال‌ها با نشریات مختلف از جمله روزنامه‌های اعتماد، سلام، شرق، آرمان، اعتدال و هفته‌نامه ارزش همکاری داشته است. روحش آرام و یادش گرامی...

نعمت عزیزم! بدرود

فیاض زاهد

خبر تلخ را برادرم #فرامرز زاهد داد. #نعمت_احمدی_نسب، رفیق، همفکر، همراه، همکار دانشگاهی‌ام دار فانی را وداع کرد. راستش چهارشنبه قبل که به اتفاق دکتر #مجید رجبی به دیدارش رفته بودیم حسی ناخوشایند به من می‌گفت این آخرین دیدار است. فردایش دوباره به بیمارستان آتیه رفتم اما ممنوع‌الملاقات شده بود. جمعه و شنبه هم با همسر فداکارشان در تماس بودم اما نعمت از پوشش دستگاه‌های احیا خارج نشده بود. من و نعمت دوستانی نزدیک بودیم. از سال ۸۵ عضو هیات علمی #تهران_مرکزی بودیم. من به خاطر او پس از اخراج از #دانشگاه_علامه و به اصرار #آیت‌الله_هاشمی_رفسنجانی به آن دانشگاه رفتم. نعمت علاوه بر تحصیل در رشته حقوق، در رشته تاریخ هم تحصیل کرده بود. شاگرد بزرگانی چون، باستانی پاریزی، عبدالحسین زرین‌کوب، زریاب خویی، احسان اشراقی، عبدالحسین نوایی، رضا شعبانی، احسان اشراقی... بود. استادی مسلم با حافظه‌ای

مثال‌زدني. بخش مهمي از زندگي علمي من با نعمت احمدي گره خورده است. ما پايان‌نامه‌هاي بسياري را هدايت کرديم. بسيار سفر کرديم و خاطرات بسياري را رقم زديم. اما گمانم آن قامت استوار را دو حادثه بر زمين افکند. ممنوع‌التدريسي از دانشگاه و ممنوع‌الوکاله شدنش در سال قبل. چهارشنبه پيش که براي آخرين بار ديدمش، گفت: مرا تحقير کردند! من و دکتر رجبي هر دو دلداري‌اش داديم. من گفتم تو بزرگي و بزرگ‌تر شدي! دکتر رجبي گفت منتظر يم چند واحد تدريس بگذاريم. به گمان خود مي‌خواستيم به او روحيه بدهيم! او در حالي از دانشگاه کنار گذاشته شد که سالياني دراز طول خواهد کشيد تا شايد؛ شايد، استادي چون او تربيت و به جامعه علمي معرفي شود. نعمت وکیل مدافع بسياري از فعالان سياسي و روزنامه‌نگاران کشور بود. در حالي اين کلمات را مي‌نويسم که گويا در روياء مي‌نگارم. رفتنش زود بود و خسارت‌بار. اين رحلت جانسوز را به اساتيد، روزنامه‌نگاران، جامعه حقوقدانان کشور، دانشجويانش و همسر نازنينش سهيلا و دخترانش راشا و راما تسليت عرض مي‌کنم.

دکتر نعمت احمدي حقوقداني سختکوش

محمد جليليان

دکتر نعمت احمدي متولد ۱۳۴۴ از شهر رفسنجان پس از سپري کردن قريب ۷۰ سال از عمر خود و گذراندن دوره‌هاي پر رنج و محنت نقاھت بيماري چشم از جهان بست. (1) شهرت قالب اين وکیل تعلق فکري، ذهني و تمايلات شديد به جبهه اصلاحات بوده و با پذيرش پرونده‌هاي اصلاح‌طلبان در حوزه‌هاي سياسي، مطبوعاتي و روزنامه‌نگاران منظومه فکري خود را عملي ساخت. (2) در حوزه‌هاي اجتماعي نيز با اشتراك در اين حوزه و مبارزه با اين ناهنجاري‌ها و پذيرش پرونده‌هاي ملي و مشتھر، پرحاشيه، مسووليت‌آور و بسيار دشوار که همراه با ناهنجاري‌ها اجتماعي اعم از قتل‌هاي محفلي در تهران و شهرستان‌هاي مختلف پذيرا بوده است. (3) اين وکیل مقاوم و پرتلاش در ايام قضاوت مراجعات فراواني جهت تعقيب و پيگيري پرونده‌هاي مختلف سياسي، اجتماعي و مطبوعاتي داشت و اين سرآغاز فصل روابط و شناخت عميق از شخصيت وي بود. (4) در ايام وکالت در پرونده‌هاي سياسي، اجتماعي و مطبوعاتي فراواني در يك مدار و يك جهت در مقام دفاع از موکلان قرار گرفتيم.

تسلط عمیق وی با تاریخ سیاسی ایران و جهان، ارتباط عاطفی و وکالتی با مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، علاقه‌مندی و اشتیاق و تعلق وی به جبهه وسیع اصلاحات در داخل ایران از وی شخصی صاحب‌نظر، مسلط، مقاوم و پایدار ساخته بود که دفاع هم‌اندیشان و همفکران خود با قامتی استوار و بدون مواجب مرسوم ساخته بود. (5) در حوزه‌های علوم سیاسی، تاریخ مطبوعات و پیچ‌های مهم تاریخ معاصر ایران صاحب‌نظری با قابلیت تحلیل بود. به مناسبت‌های مختلف ملی و جهانی به سبک و سیاق خود با قلمی شیوا، ساده و دقیق به تبیین دیدگاه‌های خود می‌پرداخت. جامعه سیاسی ایران امروز سوگوار فرزندی از تبار اصلاحگران و نیکنان‌دیشان است و جامعه حقوقی ایران عزادار، وکیل و حقوقدان کرمانی‌تبار که بار بسیاری از مصلحان سیاسی، اجتماعی و مطبوعات ایران را با قامتی استوار و دردمندانه به دوش کشید. خداوند این مرد نیکنان‌دیش، سترگ، مقاوم، سختکوش و صاحب‌نظر سرزمین کویر ایران را قرین رحمت بگرداند.

خدا حافظ وکیل بی‌ادعا

سال‌های زیادی توی همین صفحه آخر، نعمت احمدی همراه ما بود. یادداشت‌هایش را با فکس و دست‌نویس می‌فرستاد یا گاهی تلفنی صحبت می‌کردیم. همراه همه روزنامه‌نگارها بود؛ چه وقتی تحلیل و یادداشت می‌خواستیم و چه در روزهای سخت و دردسرهای عجیب شغل روزنامه‌نگاری. اما ناگهان خبر بد روز جمعه شد؛ وقتی خبر رسید که فوت کرده. عصر جمعه نامش، نعمت احمدی، هشتگ مهم فضای مجازی شد و آنچه می‌خوانید منتخبی از نوشته‌هایی است که اکثراً روزنامه‌نگارها و فعالان سیاسی، درباره این مرد بزرگ، شریف و دلسوز نوشتند.

که علاوه بر حقوق و تاریخ در کشاورزی هم شهره بود از «نعمت احمدی میان ما رفت. آشنایی من با او از شنیدن مصاحبه‌هایش در دهه ۷۰ با رادیو بی‌بی‌سی شروع شد و در دوره فعالیت دانشجویی و دهه ۸۰ هم همیشه مورد لطف ایشان بودم و از هیچ کمکی فروگذار نمی‌کرد ... خدایش بیامرزد و روحش شاد»، «از همان اولین باری که ۱۸-۱۹ سال قبل حرف زدم تا آخرین باری که همین اواخر رفتم» تلفنی با نعمت احمدی تا احوالش را در بستر بیماری بپرسم، همواره دو خصوصیت داشت؛ رفیق بود و امیدوار. معتقد بود مچ سرطان ریه را هم می‌خواهاند. می‌گفت برای بچه کویر زشت است به این راحتی تسلیم شود»، «نعمت احمدی، رفیق بی‌ادعایی بود که سال‌ها قبل بی‌آنکه حواسم به اطرافم باشد

داوطلبانه در يك پرونده دستم را گرفت. در تماس‌هاي بعدي هربار با قرداني من روبه‌رو شد، طوري رفتار مي‌کرد كه گويا هيچ كمكي در حمايت و دفاع نكرده. روح شاد مرد بي‌ادعا»، «نقش # نعمت_احمدي داوطلبانه از روزنامه‌نگاران و فعالان سياسي، خصوصا در دهه ۷۰ و دوران تاخت و تاز امثال سعيد مرتضوي از ياد نخواهد رفت. او در جا افتادن وكالت داوطلبانه حقوق بشري نقش كم نظيري داشت. يادش خيلي حيف بودي. عصر جمعه دلگيرتر شد با رفتن گرامي»، «نعمت احمدي [شما»، «دلمون گرفت آقاي احمدي، دلمون خيلي گرفت»، «نعمت احمدي را به واقع از دست داديم... چه نسلي... چه انسان‌هايي... چه تلاش‌هايي. حيف شوکه‌ام؛ اين مرد شريف و هزاران حيف»، «از خبر درگذشت نعمت احمدي وكالت نمي‌کرد، پدران پيگيري پرونده مي‌کرد. بي‌منت همراه و همدل خيلي از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران بود، اين مرد روزهاي آخرش كم جفا نديد، اما گلایه نكرد»، «عزرايل شنيد دكتر. نمي‌دونم چطوري از اندوه شنيدن خبر درگذشتون بنويسم. خيلي چيزها به من ياد داديد. خيلي وقتها از گذشته گپ زديم و از تاريخ اين كشوري كه عاشقش بوديد، گفتيد و براي امروزش افسوس خورديد. هميشه براي من يك معلم بيشر [دلسوز باقي خواهيد ماند و چه جمعه غمگيني»، «نعمت احمدي از وكيل بودن رفيق بود، استاد بود، مي‌تونم بگم ما باز هم رفيق از دست داديم... حيف اون كوه تجربه و خاطره، روحش شاد و يادش گرامي»، «عجب داستاني دارد اين زندگي... كشاورز و كشاورز زاده حقوقداني كه يك عمر براي استيلاي حقوق مردم از پاي ننشست، اما امروز در برابر بيماري سرطان تسليم شد. به خانواده و جامعه وكلا تسليت مي‌گويم و روحش شاد»، «نعمت احمدي، وكيل و حقوقدان از دنيا رفت، آقاي احمدي اخيرا در موج اخراج اساتيد دانشگاه از تدریس منع شده بود»، «را ملاقات كردم 10 اسفند بود.» «اولين و آخرين باري كه نعمت احمدي وكيل شجاعي كه از دانشگاه اخراج شد، پروانه وكالتش را باطل كردند و باز هم حرفش را زد. چند روز پيش براي كار جديدم با او تماس گرفتم و برايش پيام گذاشتم. اما پاسخ نداد. پس اينجا برايش از چهره‌هاي ماندگار مي‌نويسم: «خدا حافظ آقاي احمدي»، «نعمت احمدي عرصه وكالت و از پيشكسوتان دفاع از حقوق بشر بود كه بدون هيچ چشمداستي با جسارت و شهامتي كم نظير در دفاع از زندانيان امنيتي، پيشگام بود. روانش شاد باد»، «وكيل مدافع شجاع زندانيان سياسي رفت. در روزگاري كه ويرانه قضا از خلخالي تا صلواتي به خود ديد، صندلي وكالت از تابنده تا او، مزين به چهره‌هاي درخشان از شرافت و كرامت ايراني بود. روح دردمند شاد آقاي وكيل! باشد كه آرام گيري! آمين»، «او در اين سالها پرونده وكالت بسياري از روزنامه‌نگاران را برعهده گرفت و هزينه‌هاي سنگيني بابت دفاع از

روزنامه نگاران پرداخت کرد»، «در پرونده بازداشت‌های ۸۱-۸۲ وکیلیم بود، وقتی سال ۸۴ پیش قاضی حداد حس «خسرو گل‌سرخي» بهم دست داده بود مدام به پایم میزد که آرام‌تر! وقتی آمدم بیرون دعوايم کرد که «پسر دادگاه غیرعلنی انقلاب جای این‌گونه بلبل زبانی‌ها نیست»، راست هم می‌گفت خدایش بیامرزد که نیكبين و نیكخواه بود» و «ساعت 16 است و کم‌کم باورم می‌شد که امروز - خدا را شکر، گوش شیطان کر- بی‌هیچ خبر و حادثه و فاجعه اندوه‌آور و جانگداز به شام می‌رسد که خبر رفتن نعمت احمدی رسید. هیهات! هیهات! از این محال‌اندیشی. روان پاکش در مینوی برین شاد و آسوده؛ یادش گرامی! شریف انسان‌دوست و راد و آزاده بود».

منبع: روزنامه اعتماد 1 مهر 1402 □□□□□□